



حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکتهای سهامی وکیل محمد خانی*

چکیده

حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت همان حق اولویت سهام داران قبلی در پذیره نویسی سهام جدید است که واجد ماهیت حقوقی خاص بوده و به سهام داران قبلی تعلق می گیرد. مبنا و منبع حق تقدم در نظام حقوقی ایران، قانون است. حق تقدم در زمره ی حقوق مالی به شمار می رود و قابل نقل و انتقال است. انتقال این حق ممکن است در بورس یا خارج از آن صورت گیرد. انتقال حق تقدم تابع محدودیت های سهام داران در انتقال سهم خود است بنابراین در شرکت های سهام عام، انتقال سهام نمی تواند مقید یا مشروط باشد. حق تقدم مشابه اموال منقول نزد ثالث بازداشت می گردد و مطابق ماده ۶۶ قانون اجرای احکام مدنی بدون تشریفات توقیف و مزایده فوراً و با تصویب دادگاه به فروش می رسد تا از محل فروش آن هم طلب طلبکار اجرایی وصول گردد و هم خریدار فرصت کافی برای اعمال این حق را داشته باشد. حق تقدم از حقوق غیر قابل الغای شرکای سابق است و مطابق اساسنامه نمی توان آنان را از این حق محروم کرد بلکه سلب حق تقدم تنها در اختیار و صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد که می بایست مستدل و موجه و از موارد حادث و غیر قابل پیش بینی از قبل باشد و در گزارش هیأت مدیره و بازرسان شرکت علل و جهات اتخاذ تصمیم منعکس شود. چنانچه سلب حق تقدم ناشی از اطلاعات نادرست مدیران به مجمع عمومی فوق العاده باشد علاوه بر مسؤولیت کیفری، مسؤولیت مدنی جبران خسارت وارده به سهام داران قبلی را نیز در پی خواهد داشت.

واژگان کلیدی

مواعد قانونی، مواعد قضایی، تجدید و تمدید مواعد.

*- دانشجوی دکتری رشته فقه و حقوق جزا دانشگاه شهید مطهری (ره) تهران. khany.z@gmail.com



درآمد

امروزه رشد و گسترش فعالیت های اقتصادی بویژه از طریق گسترش و توسعه شرکت های تجاری و تعاملات این شرکت ها با اشخاص حقوقی و حقیقی، نقش انکارناپذیری در پیشرفت همه جانبه کشورها داراست. در همین راستاست که اکنون در زمینه های اقتصاد، از مباحث مختلفی از قبیل خصوصی سازی و کاهش حجم تصدی گری دولت و واگذار کردن فعالیت های بازرگانی و اقتصادی و دیگر امور به بخش خصوصی با هدف تقویت بازار رقابتی و شکوفایی اقتصاد سخن رانده می شود. یکی از شرکت های تجاری که در این زمینه نقش مهمی ایفا می کند شرکت های سهامی هستند که سهام داران آنها علاوه بر حق دریافت سود سهام و حق رأی دادن، حق دیگری به نام حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت را دارند که هدف از اعطای این حق در ابتدا، حفظ درصد مالکیت سهام داران در شرکت و کنترل سهام داران موجود بر اداره شرکت و همچنین حفظ حقوق آنها در مقابل مدیران و کاهش بهای اسمی در نتیجه انتشار سهام جدید است. این حق، همه سهام داران شرکت را مجاز می نماید تا نسبت به مالکیت در سهام و پذیره نویسی آن اقدام نمایند. سهام منتشره قبل از عرضه برای عموم مردم به سهام داران شرکت عرضه می شود تا در صورت تمایل از حق اولویت خود استفاده کنند. امروزه حق تقدم مورد توجه اغلب قانونگذاران قرار گرفته و صورت قانونی پیدا کرده است به طوری که در قوانین بیشتر کشورها صریحاً پیش بینی شده است لذا با توجه به اهمیت موضوع و با عنایت به محجور ماندن مباحث علمی و نظری حق تقدم ما را برآن داشت تا در خصوص ماهیت حقوقی و خصوصیات این حق در شرکت های سهامی بحث و تحلیل نمائیم.

فصل اول: شناخت حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت

بررسی خصوصیات و ویژگی های حق تقدم متفرع بر شناسایی مفهوم و ماهیت حقوقی این حق است و همچنین در مبنا و منبع این حق در نظام حقوقی ایران که آیا قانون، عرف، بنای عقلا، اساسنامه، تصمیم مجمع عمومی فوق العاده و یا ترکیبی از آنها است اتفاق نظر وجود ندارد.

۲. "الحق وقوع الشيء في موضعه الذي هو له".

۳. مفهوم در لغت به معنای دانسته شده، به دل دریافته شده و شناخته شده آمده است که از نظر اصطلاح منطقیان عبارتست از «مجموعه صفات مشترکی است که معنی کلی از آنها مستفاد می گردد مانند جسم نامی، حساس و ناطق که روی هم رفته مفهوم انسان را در بر می گیرند» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۷۷۹۲).

این کلمه در علم اصول فقه به دو معنای (عبارت گوینده و هر معنایی که متفرع بر منطوق باشد) آمده است و منطوق نیز عبارت است از معنایی که بی تلاش ذهن و در نخستین برخورد ذهن به عبارت دانسته می شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۳۴۵۶).



مبحث اول: مفهوم حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت

ریشه لغوی حق به معنای ثبوت است (دهخدا، ۱۳۷۳، ۹۱۴۲). یعنی حق ثابت برای ذوالحق است و منظور اختیاری است که قانون برای فرد شناخته تا بتواند عملی را انجام و یا آنرا ترک نماید (امامی، ۱۳۷۴، ۵). آنچه در این مبحث از آن سخن به میان می آید همان معنای منطقی مفهوم حق تقدم است یعنی کلیه ی صفات و مشخصات مادی و غیرمادی ای که در معنی حق تقدم وجود داشته و به آنها موصوف و منتسب می باشد. حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت همان حق اولویت سهامداران قبلی در پذیره نویسی سهام جدید است که ماده ۱۶۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت آن را به رسمیت شناخته است که از جمله حقوق مالی وابسته به سهم بوده و دارای خصوصیات و ویژگی هایی است که در فصل دوم به آن خواهیم پرداخت.

به طور کلی سه نوع حق تقدم وجود دارد ۱- حق تقدم برای خرید سهام عادی جدید (اضافی): رایج ترین شکل حق تقدم از نوع حق خرید سهام عادی جدید است. از دیدگاه بلاک این گونه سهام عادی که به نسبت مالکیت برای سهام داران فروخته می شود معادل با سهم جایزه است. ۲- حق تقدم برای خرید اوراق بهادار، قابل تبدیل به سهام: حق تقدم، برای خرید اوراق قرضه و هر نوع اوراق بهادار به غیر از سهام عادی قابل تبدیل به سهام عادی نوعی دیگر، از حق تقدم است که شرکتها می توانند منتشر کنند. ۳- حق تقدم برای خرید سایر اوراق بهادار یا دارایی ها: این حق تقدمها برای خرید اوراق قرضه سهام ممتاز، سهام شرکت های فرعی و غیره با تقسیم سود یا توزیع سرمایه در مقایسه با حق تقدم برای خرید سهام عادی ارتباط نزدیکی دارد؛ و اعلامیه ی حق تقدم نیز اطلاعیه ای است که برای سهام داران فعلی یک واحد اقتصادی فرستاده می شود و طی آن اختیار خرید از سهام جدید انتشار را متذکر می گردند. گیرنده این اطلاعیه چنانچه خود مایل به خرید سهام جدید نباشد، این اطلاعیه را به دیگران واگذار می کند (الله یاری، ۱۳۷۹، ۹-۱۱).

مبحث دوم: ماهیت حقوقی حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت

تعیین ماهیت حقوقی حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت از حیث اینکه در دسته بندی اصطلاحات حقوقی جزء کدام دسته قرار می گیرد و آیا در زمره حقوق مالی یا غیر مالی است و در صورت قرار گرفتن در دسته حقوق مالی، ماهیت حقوقی دینی یا عینی دارد، یا اینکه واجد ماهیت حقوقی خاص می باشد، حائز اهمیت است.

۴. ماده ۱۶۶ لایحه مقرر می دارد: «در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است مهلتی که طی آن سهام داران می توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیره نویسی تعیین می گردد شروع می شود».

حقوق مالی در یک تقسیم بندی سنتی به حق عینی و حق دینی تقسیم می گردند. «حق عینی، حقی است که شخص به طور مستقیم و بی واسطه نسبت به چیزی پیدا می کند و می تواند از آن استفاده کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱۶). از طرفی «حق دینی حقی است که شخص نسبت به دیگری پیدا می کند و به موجب آن می تواند انجام دادن کاری را از او بخواهد، صاحب این حق را طلبکار و کسی را که ملزم است مدیون یا بدهکار گویند» (همان، ۱۸). «موضوع حق عینی، یک شی مادی است و باید در خارج معین باشد ولی حق دینی ممکن است ناظر بر انجام دادن کار یا برخورداری از آن نیز باشد و اختصاص به اشیاء ندارد» (امامی، ۱۳۷۴، ۵).

با توجه به تعریف و ویژگی های حقوق عینی و دینی و مقایسه آن دو حق با حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت به نظر ماهیت حق تقدم با هیچکدام از حقوق عینی و دینی منطبق نیست زیرا حق تقدم به صورت وجه نقد نبوده لذا یک مال معنوی محسوب شده که قابل نقل و انتقال میباشد و در إزای آن وجه نقد قرار می گیرد. لذا مسلماً مانند منافع متعلق به سهام، حق دینی تلقی نمی شود. چون حق دینی از ناحیه مدیون قابل سلب نیست در حالی که حق تقدم ممکن است توسط مجمع عمومی فوق العاده سلب شود. البته در خصوص منافع متعلق به سهام نیز؛ سهام دار، طلبکار به معنای خاص کلمه نیست و فی الواقع شریک شرکت است. هم چنین با توجه به اینکه موضوع حق عینی یک شی مادی است و باید در خارج معین باشد، حق تقدم در زمره حقوق عینی نیز قرار نمی گیرد چرا که این حق مال معنوی بوده و در خارج معین نمی باشد از طرفی حق عینی نیز قابل سلب نبوده و اگر نسبت به مالی حق عینی برای شخصی ایجاد گردید قابل سلب کردن نیست در حالی که حق تقدم توسط مجمع عمومی فوق العاده قابل سلب است.

لذا به نظر حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت مانند خود سهم حق خاصی است که به سهام داران قبلی شرکت تعلق می گیرد.

مبحث سوم: مبنا و منبع حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت

مبنا و منبع حق تقدم؛ در پذیره نویسی سهام جدید شرکت، در کشورهای مختلف متفاوت است، قانون، عرف، اساسنامه و تصمیم مجمع عمومی منبع حق مزبور است. اولین کشوری که حق تقدم را پیش بینی نمود، کشور آلمان است و سپس در قوانین سایر کشورها وارد شده است، در برخی کشورها مانند هلند تصمیم مجمع عمومی، منبع اصلی حق مزبور است به این ترتیب که مجمع عمومی ضمن اجازه افزایش سرمایه، تعیین تکلیف می کند (اعظمی، ۱۳۵۳، ۱۹۴) و در کشور ایران به نظر می رسد مبنا و منبع این حق، قانون باشد چرا که مقنن صراحتاً در ماده ۱۶۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت حق تقدم را به عنوان یکی از حقوق مالی وابسته به سهام به رسمیت شناخته است و اگر مقنن چنین تصریحی نداشت نمی توانستیم چنین حقی را برای سهام دار قائل باشیم و سلب این حق به وسیله مجمع عمومی فوق العاده نیز به لحاظ تجویز قانونگذار است و اگر مقنن سلب آن را تجویز نمی کرد مجمع عمومی فوق العاده چنین اختیاری نداشت.



فصل دوم: خصوصیات حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت

حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت با توجه به دارا بودن ماهیت خاص، دارای خصوصیات متعددی است که بر بعضی از این خصایص از نظر حقوقی، آثار مهمی مترتب است که بررسی آنها ضروری است لذا در این نوشتار از چهار خصوصیت حق تقدم صحبت به میان می آید؛ بنابراین؛ مالی بودن، انتقال پذیر بودن، قابلیت بازداشت داشتن و قابل سلب بودن از ویژگی های بارز حق تقدم می باشد که مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مبحث اول: مالی بودن حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت

در یک تقسیم بندی کلی حق را به مالی و غیر مالی تقسیم می کنند. حق غیر مالی امتیازی است که هدف از آن رفع نیازهای عاطفی و اخلاقی انسان است (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱۳). موضوع این حق روابط غیرمالی اشخاص است و ارزش داد و ستد نداشته و قابل ارزیابی با پول نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ۱۰۱)؛ مانند حق بنوت و حق زوجیت؛ اما حق مالی، امتیازی است که نظام حقوقی هر کشور به منظور تأمین نیازهای مادی اشخاص به آنها می دهد (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱۵). این دسته از حقوق قابل مبادله و تقویم به پول هستند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ۱۰۱). قابلیت مبادله حقوق مالی با پول سبب می شود که حق مالی اصولاً قابل انتقال بوده و طلبکاران بتوانند با توقیف و فروش حق بدهکار به طلب خود برسند. بی شک حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت جزء حقوق مالی به شمار می آید، چون قابل مبادله با پول بوده و بر اساس آن ارزیابی می گردد.

مبحث دوم: قابل نقل و انتقال بودن حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت

اصل قابلیت نقل و انتقال حق تقدم، در ماده ۱۶۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت بیان گردیده لذا انتقال حق تقدم وقتی صورت می پذیرد که صاحبان حق مزبور برای پذیره نویسی جدید سرمایه کافی ندارند یا اصولاً به خرید سهام جدید تمایلی نشان نمی دهند (افتخاری، ۱۳۸۴، ۱۶۸). قانونگذار در خصوص نحوه انتقال این حق مطلبی بیان نکرده است. لذا لازم نیست انتقال آن در قالب یکی از عقود معین مانند صلح باشد؛ بنابراین ممکن است در قالب قرارداد موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی صورت پذیرد. انتقال حق تقدم ممکن است در بورس (اسکینی، ۱۳۸۵، ۲۱۱) یا خارج از آن صورت گیرد، در صورتی که انتقال در بورس انجام گیرد، روش انتقال حق تقدم سهام داران مانند روش انتقال سهام است و از این جهت شکل خاصی برای انتقال آن در نظر گرفته نشده است؛ بنابراین در این مورد نیز فرم های خرید و فروش به همراه وکالت نامه تنظیم می گردد و به کارگزار تحویل می شود خرید سهام جدید فقط با ارائه گواهینامه ی حق خرید سهام و ارائه ی آن به مسئولین بانکی که باید تأدیه مبلغ سهام جدید در آنها به عمل آید، امکان پذیر می باشد لذا برای تعیین اینگونه سهام داران و ارائه گواهینامه ی خرید سهام جدید به آنها در اطلاعیه ی پذیره نویسی باید به این گونه سهام داران اطلاع داده شود که ظرف مدت حداقل ۲۰ روز به شرکت مراجعه و گواهینامه ی خرید سهام جدید را از مسئولین شرکت دریافت دارند

(فروحي، ۱۳۷۲، ۱۲۷). برای صاحبان سهام بانام، گواهینامه‌ی خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد (حسني، ۱۳۷۸، ۱۸۳). نکته‌ی قابل توجه در واگذاری حق تقدم این که در این مورد بورس اوراق بهادار مبادرت به صدور گواهی نقل و انتقال و سپرده سهام نمی‌نماید، بلکه شرکت خود نسبت به صدور ورقه سهام جدید به نام خریدار اقدام می‌کند.

صدور سهام جدید ممکن است چند ماه طول بکشد؛ زیرا بدواً شرکت می‌بایست افزایش سرمایه داده و آن را ثبت کند و سپس مبادرت به صدور اوراق سهام جدید نماید. شیوه معمول این است که بعد از صدور سهام جدید در مورد انتقال حق تقدم، خریدار خود، باید به شرکت مراجعه و سهام را دریافت دارد و شایان ذکر است، وجود ماده ۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که مقرر می‌دارد: «مادام که انتقال با شرایط آن در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت نرسیده انتقال در برابر شرکت و اشخاص ثالث معتبر نیست»، باعث می‌شود که معامله بر روی گواهی نقل و انتقال و سپرده سهام قبل از نقل و انتقال قانونی آن عملاً غیر ممکن گردد. فلذا معمولاً سهام‌داران، قبل از ثبت آن در دفتر سهام مبادرت به انتقال مجدد آن نمی‌نمایند. گرچه اگر معامله‌ای نیز صورت یافته باشد در روابط طرفین اعتبار دارد.

در این وضعیت و مثلاً موقعی که گواهی مزبور پنج مرتبه بدون ثبت انتقال موضوع معامله قرار می‌گیرد، اداره پایاپای وجوه و سهام، کلیه سوابق را از کارگزاران مربوطه در هر مورد تحویل گرفته و نسبت به تهاتر معاملات واسطه اقدام می‌نماید؛ بنابراین معامله واقع شده، بین خریدار دوم، سوم و چهارم تهاتر می‌شود و تنها فروشنده اولی سهم، تعهد تسلیم گواهی و حق دریافت وجه آن را خواهد داشت و آخرین خریدار نیز متعهد به پرداخت ثمن معامله می‌باشد (صادقی، ۱۳۷۷، ۱۲۳). بدیهی است اشخاص واسطه به همان مقدار که سهم خریده‌اند به همان مقدار هم فروخته‌اند ولی لزوماً جهت خرید و فروش آنها یکسان نیست. لذا درست است که گواهی نقل و انتقال و سپرده سهم را رد و بدل نمی‌کند ولی وجوه پرداختی و دریافتی آنها مشمول مابه التفاوت است که بنا به مورد باید دریافت یا پرداخت کنند. در مورد مالیات انتقال سهام و حق تقدم سهام در بورس اوراق بهادار؛ دولت معمولاً با اعمال معافیت‌هایی درصدد جلب مردم به سمت بورس اوراق بهادار می‌باشد. اعمال این معافیت‌ها صرفاً در مورد خریدار و فروشنده سهام نبوده بلکه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیز از معافیت‌های مالیاتی در این خصوص برخوردار می‌باشند (زرننگ، ۱۳۷۷، ۱۲۰). انتقال حق تقدم تابع محدودیت‌های صاحبان سهم در انتقال سهم خود است (عرفانی، ۱۳۷۱، ۱۱۵)؛ بنابراین در شرکت‌های سهامی عام، انتقال سهم نمی‌تواند مقید یا شروط باشد و به طور مطلق آزاد است. لذا حق تقدم نیز مانند سهم، علی‌الاطلاق قابل نقل و انتقال می‌باشد؛ اما در مورد شرکت‌های سهامی خاص، نقل و انتقال سهم ممکن است مشروط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی باشد در نتیجه نقل و انتقال حق تقدم نیز تابع قیودی است که برای انتقال سهم مقرر گردیده است (صفی‌نیا، ۱۳۸۱، ۱۴۲) و اگر چنین نباشد فلسفه وجودی شرایط و محدودیت‌های نقل و انتقال سهام در شرکت‌های سهامی خاص در زمان افزایش سرمایه شرکت خود به خود منتفی می‌گردد.

فایده دیگر قابلیت انتقال حق تقدم این است که به شرکایی که تعداد لازم سهم برای پذیره نویسی سهام جدید شرکت ندارند امکان می‌دهد تا حق تقدم خود را به دیگری واگذار کنند و یا تعداد لازم حق تقدم برای پذیره‌نویسی سهام جدید اکتیاع کنند (اعظمی، ۱۳۵۳، ۱۹۷).

شایسته است؛ متذکر گردیم در خصوص نحوه محاسبه ی بهای حق تقدم، قانونگذار ساکت است اما برخی از حقوق دانان عقیده دارند میزان حق تقدم از طریق مقایسه مبلغ سرمایه و سهام اولیه با مبلغ افزایش سرمایه و سهام جدید و بالاخره تعداد سهام هر سهام دار محاسبه می‌شود؛ مثلاً اگر شرکتی دارای ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال سرمایه شامل ۲۰/۰۰۰ سهم ۱/۰۰۰ ریالی باشد و بخواهد مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از طریق انتشار ۱۰/۰۰۰ سهم جدید ۱/۰۰۰ ریالی افزایش سرمایه بدهد، میزان حق تقدم هر سهام دار در پذیره نویسی عبارت است از یک سهم جدید در قبال دو سهم قدیم. به عبارتی سهام دار قدیم در ازای دارا بودن دو سهم که سابقاً داشته، می‌تواند یک سهم جدید با قیمت رسمی ۱۰۰۰ ریال بدون پرداخت مبلغ اضافه (اضافه ارزش سهم) پذیره‌نویسی نماید که در این صورت بهای حق تقدم برابر نصف اضافه ارزش سهام است (اسکینی، ۱۳۸۵، ۲۱۱).

$$\frac{\text{تعداد سهام قدیم}}{\text{تعداد سهام جدید}} = \text{میزان حق تقدم} = \frac{20000}{10000} = 2$$

$$\frac{\text{موجود سرمایه مبلغ}}{\text{مبلغ افزایش سرمایه}} = \text{میزان حق تقدم} = \frac{20000000}{10000000} = 2$$

شایان ذکر است؛ تفاوت بین ارزش واقعی سهم و ارزش رسمی سهم، اضافه ارزش سهام نامیده می‌شود. (همان) اما برخی دیگر بر این عقیده‌اند که بهای حق تقدم تابع قانون عرضه و تقاضا است و این خود تابع عواملی از قبیل قیمت سهام منتشره جدید و ارزش سهم به طور کلی پس از عملی شدن افزایش سرمایه است و هر قدر بین قیمت تجاری سهم و ارزش انتشار سهام جدید اختلاف وجود داشته باشد به همان نسبت نیز بر ارزش حق تقدم اضافه می‌گردد (اعظمی، ۱۳۵۳، ۱۹۷). از میان این دو عقیده به نظر می‌رسد که نظر اول نزدیک‌تر به صواب بوده و در راستای حفظ حقوق سهام داران قدیمی است چون در محاسبه آن، ارزش واقعی سهم مد نظر قرار می‌گیرد.

لازم است متذکر گردیم در نظام حقوقی ایران، نوع سهام منتشره جدید و همچنین نوع سهام سابق در استفاده از حق تقدم صاحبان سهام بی‌تأثیر است. صاحبان سهام عادی و ممتاز در استفاده از حق مذکور، از حقوق مساوی و برابر برخوردارند همچنین نوع سهام جدید در استفاده از حق مذکور دخالت ندارند و در نتیجه سهام جدید خواه عادی یا ممتاز باشند، شرکای سابق اعم از صاحبان سهام عادی و ممتاز حق تقدم دارند. برای دیدن نظر موافق ر: ک (اعظمی، ۱۳۵۳، ۲۰۲).

مبحث سوم: قابل بازداشت بودن حق تقدّم در پذیرنویسی سهام جدید شرکت

حق تقدّم در زمره حقوق مالی وابسته به سهام جای داشته و قابل نقل و انتقال است به گونه ای که ما به عوض مالی دارد و سهام دار می تواند آنرا به غیر منتقل کند ولی اعمال این حق موکول به مهلت زمانی خواهد بود از این رو سهام دار در این مهلت که کمتر از شصت روز نخواهد بود می بایست نسبت به اعمال آن اقدام کند مقنّن در خصوص بازداشت این حق مالی راه سکوت را در پیش گرفته و دکترین و رویه قضایی نیز این خلاء را جبران ننموده اند لذا با این وجود می خواهیم ببینیم که آیا حق تقدّم در پذیرنویسی سهام جدید شرکت قابلیت بازداشت را داشته و نحوه بازداشت آن چگونه است؟

حقوق مالی که قابل نقل و انتقال ارادی باشند در قبال طلب طلبکار اجرایی قابل بازداشت می باشند و حق تقدّم نیز از این قاعده مستثنی نیست زیرا در زمره حقوق مالی قابل نقل و انتقال قرار گرفته و شرایط مال قابل بازداشت را داراست، ماده ۸۷ قانون اجرای احکام مدنی نیز مؤید این نظر است هر چند ماده مزبور به صراحت قابلیت بازداشت حق تقدّم را بیان ننموده اما کلیّه اموال متعلّق به محکوم علیه نزد ثالث را قابل بازداشت دانسته که حق تقدّم یکی از مصادیق آن است (اسدی آقبلاغی، ۱۳۸۱، ۹۷)؛ اما در خصوص نحوه بازداشت این حق به نظر می رسد مقررات حاکم بر نحوه بازداشت اموال منقول نزد ثالث بر آن جاری خواهد بود چه آنکه این حق مانند اموال منقول مادی نبوده که نزد مدیون باقی باشد بلکه یک مال معنوی است که سهام دار باید برای اعمال آن به ناچار از طریق شرکت اقدام کند؛ بنابراین در صورتی که محکوم له تقاضای بازداشت حق تقدّم را نمود، دایره اجرا مطابق ماده ۸۷ قانون اجرای احکام مدنی اختطاری در خصوص بازداشت حق مزبور به همراه یک برگ اجرائیه به شرکت ارسال می دارد و از شرکت می خواهد در قبال محکوم به و هزینه های اجرایی حق تقدّم را بازداشت و مراتب را به دایره اجرا اعلام کند شرکت نیز پس از وصول اختطاریه مطابق دستور مدیر اجرا حق مزبور را بازداشت و مراتب را به دایره اجرا اعلام می کند. شایان ذکر است که آیین نامه اجراء مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۱ رئیس قوه قضائیه، چگونگی بازداشت حق تقدّم را بیان نکرده و نظری از دکترین نیز در این رابطه وجود ندارد؛ اما باید گفت شیوه بازداشت حق تقدّم همانند بازداشت اموال منقول نزد ثالث (شرکت) خواهد بود بدین ترتیب بازداشت نامه به درخواست طلبکار اجرایی تهیه و پس از امضا مسؤول دایره اجرا، جهت ابلاغ به مأمور اجرا تسلیم و وی پس از مراجعه به مرکز اصلی شرکت یک برگ بازداشت نامه را به رؤیت مدیر عامل خواهد رساند و یک برگ نیز به مدیون ابلاغ می کند، مدیر عامل به میزان بدهی و هزینه های اجرایی که اعلام شده حق تقدّم را بازداشت و به دایره اجرا اعلام خواهد نمود (اسدی آقبلاغی، ۱۳۸۱، ۹۸).

شایان ذکر است؛ در توقیف حق تقدّم در پذیرنویسی سهام جدید هر چند صرف توقیف، موجب خروج مال از مایملک مدیون نخواهد شد لیکن دایره استیلای مدیون بر اموال خود را تحت نظام خاصی قرار می دهد و مدیون نخواهد توانست در مال، تصرفاتی که مضرّ به حقوق



طلبکار اجرایی باشد بنماید. بارزترین این محدودیت ها، ممنوعیت در نقل و انتقال است زیرا نقل و انتقال قطعاً مضرّ به حقوق طلبکار اجرایی بوده و با این کار طلبکار نخواهد توانست از محل مال توقیف شده به طلب خود برسد لذا مقنن برای حمایت از طلبکار چنین انتقالی را غیر نافذ دانسته است؛ خواه بازداشت در دایره اجرای دادگستری یا ثبت اسناد و املاک بعمل آمده باشد.

حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت مقید به زمان است به عبارت دیگر جزء آن نوع حقوق مالی است که اگر سهام دار در مدت تعیین شده آنرا اعمال یا منتقل نکند پس از انقضای مدت مالیت خود را از دست داده و ارزش اقتصادی نخواهد داشت؛ زیرا هدف از وضع چنین حقی رعایت عدالت بین سهام داران قبلی و جدید شرکت است و از طرفی این حق هنگامی متصور است که شرکت قصد ترمیم سرمایه خود را داشته باشد؛ لذا اگر سهام داران قبلی تمایلی جهت ترمیم سرمایه از خود نشان ندهند سرمایه مورد نظر باید توسط سهام داران جدید تأمین گردد و در صورتی که اعمال حق مزبور نامحدود باشد و سهام داران قبلی قصد انتقال حق خود را نداشته باشند شرکت به هدف خود نائل نمی گردد و چه بسا موجبات اضرار و حتی انحلال شرکت فراهم گردد؛ بنابراین اعمال این حق باید مقید به زمان باشد تا چنانچه در مهلت معینه سهام داران قبلی حق خود را اعمال نکردند شرکت بتواند توسط سهام داران جدید سرمایه خود را ترمیم کند. حال مسئله ای که مطرح می گردد این است؛ آیا می توان بر پایه این خصوصیات حق تقدم را زمره مال ضایع شدنی یا مالی که ادامه توقیف آن موجبات کسر فاحش قیمت است دانست و آن را پس از ارزیابی و با تصویب دادگاه بدون رعایت تشریفات بازداشت و مزایده به فروش رساند و طلب طلبکار اجرایی را وصول نمود؟ در پاسخ باید گفت چون پس از انقضای مهلت، حق تقدم فاقد ارزش و مالیت خواهد شد و از طرفی مهلت مقید و محدود بوده و ممکن است انجام تشریفات توقیف و مزایده به طول بیانجامد و چه بسا قبل از انقضای مهلت امکان مزایده فراهم نگردد به نظر می رسد بتوان این حق را در حکم مالی دانست که ادامه توقیف و انجام تشریفات بازداشت و مزایده نه تنها باعث کسر فاحش قیمت بلکه موجب از بین رفتن ارزش آن می شود؛ بنابراین این حق مشمول ماده ۶۶ قانون اجرای احکام مدنی بوده و باید بدون تشریفات توقیف و مزایده، با تصویب دادگاه فوراً به فروش برسد تا از محل فروش آن هم طلب طلبکار اجرایی وصول گردد و هم خریدار فرصت کافی برای اعمال این حق را داشته باشد (اسدی آقبلاغی، ۱۳۸۱، ۱۲۴).

شایان ذکر است؛ بازداشت حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت مستلزم توقیف سهام نیست و سهام دار می تواند هر نوع تصرفاتی در سهام خود بنماید لیکن انتقال سهام مستلزم انتقال حقوق وابسته به آن نیز می باشد این انتقال خللی به حقوق طلبکار اجرایی وارد نخواهد آورد؛ اما سهام دار باید هنگام انتقال سهام، خریدار را از بازداشت بدون حق تقدم مطلع کند و گرنه خریدار در صورت عدم اطلاع، خواهد توانست معامله را فسخ کند این

برداشت از ملاک ماده ۵۳ قانون مدنی قابل استنباط است که مقرر می دارد: «انتقال عین از طرف مالک به غیر موجب بطلان حق انتفاع نمی شود ولی اگر منتقل الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است، اختیار فسخ معامله را خواهد داشت».

مبحث چهارم: قابل سلب بودن حق تقدّم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت

حمایت از شرکای سابق و حفظ حقوق آنان، علت ایجاد حق تقدّم به نفع کلیه سهام داران در پذیره نویسی سهام جدید شرکت است. حقوق سهام داران قبلی به مناسبت ورود سهام داران جدید از چند جهت ممکن است در معرض تضییع و تهدید قرار گیرد (اعظمی، ۱۳۵۳، ۱۱۳-۱۱۲). اول؛ آنکه قدرت آرایه که قبل از ازدیاد سرمایه به صاحبان سهام تعلّق داشت تقلیل پیدا می کند در این صورت رفع آن مقدور نخواهد بود زیرا مطابق قانون، ایجاد سهم فاقد حق رأی جایز نیست در حالی که رأی یکی از مهم ترین حقوق وابسته به سهم است. دوم؛ اینکه ورود شرکای جدید موجب تقلیل حصّه شرکای سابق در ذخایر شرکت می شود و در نتیجه از ارزش حقیقی سهام آنان کاسته می گردد زیرا شرکای جدید نیز با ورود در شرکت در کلیه دارایی و در نتیجه ذخایر شرکت شریک می شوند در حالی که در تشکیل و ایجاد منافع مالی مذکور دخالتی نداشته اند. سوم؛ صاحبان سهام اگر مالک درصد معینی از سهام باشند می توانند از بعضی حقوق استفاده کنند و به همین جهت برای حفظ و حراست حقوق خود و تأمین وضع سابق، علاقمند هستند درصد حصّه آنان در سرمایه شرکت حفظ شود؛ مثلاً به موجب ماده ۲۷۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت «شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضاء هیئت مدیره و یا مدیر عامل بنام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه آنان اقامه دعوا نموده و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را مطالبه کنند».

حال اگر با ازدیاد سرمایه شرکت و صدور سهام جدید، اشخاص جدیدی وارد شرکت شوند درصد سابق که به شرکای قبلی تعلّق داشت، تقلیل پیدا می کند و به حقوق آنان لطمه وارد می شود؛ زیرا برای اقامه دعوی مسؤولیت، مالکیت یک پنجم سهام کافی است و هر قدر بر سرمایه و تعداد سهام اضافه شود به همان نسبت درصد لازم برای اقامه دعوا از طرف شرکای سابق تقلیل پیدا می کند لذا برای حمایت از سهام داران قبلی در مقابل خسارت و ضرری که از ورود شرکای جدید متحمل می شوند تنها وسیله کافی و مطمئن، شناسایی حق تقدّم در پذیره نویسی سهام جدید برای شرکای سابق است. عرضه حق تقدّم مزایایی را برای سهام داران فعلی به دنبال دارد از جمله اینکه باعث حفظ کنترل سهام داران فعلی بر روی شرکت می شود. اگر مدیران موقعیت خود را نزد سهام داران فعلی مستحکم ببینند عرضه سهام به صورت حق تقدّم را ترجیح می دهند اما اگر این موقعیت را سست ببینند با انتشار سهام جدید و فروش آن به سایر سرمایه گذاران، میزان کنترل سهام داران فعلی را کمرنگ می کنند تا توان برکناری مدیریت فعلی را از دست بدهند همچنین انتشار سهام جدید به بهای کمتر، قیمت بازار سهام

را کاهش می دهد. وقتی سهام داران حق تقدّم خود را اعمال نکنند و آن را انتقال دهند این کاهش به زیان آنها خواهد بود اما اگر سهام داران از حق خرید خود استفاده کنند زبانی از این بابت به آنها تحمیل نمی شود به همین علت این حق در کلیه کشورها برای شرکای سابق شناخته شده است.

مثلاً؛ در نظام حقوقی لبنان (دویدار، ۱۹۹۵، ۷۸۹؛ الحمصی، ۲۰۰۳، ۱۲۱) و اردن (العکلی، ۲۰۰۲، ۲۵۸) سهام داران قبلی در خرید سهام جدید حق اولویت و تقدّم دارند.

دخالت سهام داران جدید در شرکت به ضرر سهام داران قدیمی است زیرا در صورت افزایش سهام میزان سودی که به سهام سهام داران قدیمی تعلق می گیرد، کاهش می یابد و از جهت دیگر ممکن است دخالت سهام داران جدید، اکثریت در مجامع عمومی را دستخوش تغییر نماید، به همین دلیل قانون برای سهام داران قدیمی در خرید سهام به نسبت سهام شان حق اولویت مقرر نموده است؛ بنابراین سلب این حق موقعی جایز است که علل و جهاتی، آن را اقتضا کند؛ مثلاً اگر یکی از طلبکاران مهم شرکت قبول کند که طلبش به سهام تبدیل شود یا گروه با نفوذی بپذیرد که به شرکت وارد شود (اسکینی، ۱۳۸۵، ۲۱۲)، یا سهام جدید شرکت به شخصی که دارای تخصّص و تجربه کافی بوده و از شریک شدن وی استفاده زیادی عاید شرکت شود یا اگر سرمایه گذاران بزرگ و عمده برای خرید سهام به قیمتی بیش از قیمت پذیره نویسی مایل باشند عرضه حق تقدّم چنین فرصتی را از دست شرکت خارج می کند زیرا سهام جدید بایستی با قیمت پذیره نویسی به سهام داران معینی عرضه شود. این جهات باید از جهات حادث و غیر قابل پیش بینی از قبل باشد؛ لذا این حق را طبق مندرجات اساسنامه نمی توان از صاحبان سهام سلب کرد و یا به نفع بعضی از آنان ایجاد کرد (اعظمی، ۱۳۵۳، ۱۱۴). سلب حق تقدّم در پذیره نویسی باید درباره ی تمام صاحبان سهام یکسان و بدون تبعیض باشد چنانچه حق تقدّم در پذیره نویسی سهام جدید از بعضی سهام داران به نفع بعض دیگر سلب شود سهام دارانی که سهام جدید به آنها اختصاص داده شده است در اخذ رأی مربوط به سلب حق تقدّم سایر صاحبان سهام حق شرکت ندارند (ستوده تهرانی، ۱۳۷۸، ۲۳۲). بنابراین؛ مطابق مواد ۱۶۶ به بعد لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت نظر مقنن بر این است که حق تقدّم از حقوق غیر قابل الغای شرکای سابق است و مطابق اساسنامه نمی توان آنان را از این حق محروم کرد بلکه سلب حق تقدّم تنها در اختیار و صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد که علت سلب این حق باید مستدلّ و موجه باشد و در گزارش هیأت مدیره و بازرسان شرکت علل و جهات اتّخاذ این تصمیم منعکس شود (فروچی، ۱۳۷۲، ۱۲۱). قانون در مورد محتوای توجیه هیأت مدیره ساکت است اما برخی از نویسندگان معتقدند که این توجیه باید در رابطه با عملیات مالی شرکت باشد مثلاً طلبکاران حائز اهمیت شرکت می خواهند به عوض مطالبات خود از سهام جدید شرکت، پذیره نویسی نمایند، ولی تمایل ندارند اضافه ارزش سهام جدید را به شرکت پرداخت کنند (عرفانی، ۱۳۷۱، ۱۳۰).



شایان ذکر است؛ مطابق ماده ۲۶۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت دادن اطلاعات نادرست به مجمع عمومی از جانب هیأت مدیره برای سلب حق تقدم صاحبان سهام متضمن مسؤولیت کیفری آنان نیز خواهد بود؛ اما خصوص مسؤولیت مدنی هیئت مدیره قانونگذار ساکت است حال مسئله ای که مطرح می گردد اینکه آیا در این صورت مدیران، در قبال سهام داران قبلی که حق تقدم آنان سلب شده مسؤولیت مدنی دارند؟ به نظر می رسد هر چند که مقنن مسؤولیت مدنی مدیران را بیان نکرده اما با عنایت به اینکه مدیران بایست مطابق مواد ۱۶۷ و ۲۶۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت اطلاعات درست در توجیه سلب حق تقدم به مجمع عمومی فوق العاده بدهند و فی الواقع متعهد به دادن اطلاعات صحیح هستند.

در صورت تخلف، تعهد قانونی خود را نقض نموده اند؛ لذا مطابق ماده ۲۷۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و مواد ۲۲۱ و ۲۲۷ قانون مدنی ملزم به جبران خسارت وارده به سهام داران قبلی هستند. سوال دیگری که به ذهن متبادر می گردد این است که آیا سهام داران قبلی می توانند از دادگاه صالح، بطلان مصوبه مجمع عمومی فوق العاده در خصوص سلب حق تقدم را بخواهند؟ ماده ۲۷۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مقرر نموده: «هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می گردد رعایت نشود بر حسب مورد بنا بر درخواست هر ذی نفع بطلان ... تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان خواهد شد، لیکن صاحبان سهام شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند». با توجه به اینکه سلب حق تقدم در فرض سوال بر خلاف قانون و حق قانونی سهام داران قبلی بوده لذا مطابق ماده مزبور سهام داران قبلی می توانند از دادگاه صالح بطلان مصوبه مجمع عمومی فوق العاده را بخواهند اما اگر عملیات پذیره نویسی سهام جدید تمام شده و اشخاص جدید سهام را پذیره نویسی نموده باشند با توجه به اینکه اشخاص ثالث اصولاً از تصمیمات شرکت بی اطلاع هستند این بطلان تأثیری در پذیره نویسی آنان نداشته و سهام دار جدید شرکت محسوب می شوند و همانطور که بیان شد سهام داران قبلی حق مراجعه به مدیران جهت دریافت خسارت را خواهند داشت.

قانونگذار ایران مطابق تبصره ماده ۱۶۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت اجازه سلب حق تقدم سهام داران به نفع اشخاص غیر معین را نداده است خواه شرکت در بورس حضور داشته باشد خواه نداشته باشد مدت سلب حق تقدم صاحبان سهام به مدتی بستگی دارد که مجمع عمومی برای افزایش سرمایه شرکت معین کرده است به موجب ماده ۱۶۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مدت مزبور نباید از پنج سال از تاریخ تصمیم مجمع عمومی تجاوز کند به همین دلیل سلب حق تقدم تا مدت مزبور مجاز است ولی هرگاه این مدت منقضی شود هم افزایش سرمایه باید دوباره در مجمع عمومی تصویب شود و هم سلب حق تقدم صاحبان سهام (اسکینی، ۱۳۸۵، ۲۱۴-۲۱۳).

شایان ذکر است؛ سهام دار، نسبت به شرکت سهامی تعهداتی را دارد که می بایست مطابق مواد

۳۵ الی ۳۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت انجام دهد اگر در مهلتی که برای تأدیه مبلغ اسمی سهام معین گردیده، تعهد را انجام داد صاحب سهم، وظیفه و تکلیف دیگری ندارد و از کلیه حقوق وابسته به سهم بهره مند می شود اما اگر موعد منقضی گردید و صاحب سهم به تعهد خود عمل نکرد، ملزم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه است و پس از اخطار از طرف شرکت و گذشتن یک ماه از تاریخ اخطار اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تأخیر تماماً تأدیه نشود شرکت می تواند با رعایت تشریفات مقرر اینگونه سهام را در بورس یا در مزایده به معرض فروش بگذارد.

پس از انتشار آگهی فروش هر گاه قبل از تاریخی که برای فروش معین شده است کلیه بدهی های مربوط به سهم خود را پرداخت کند شرکت از فروش سهم او خودداری می کند. صاحب سهمی که در مهلت مقرر بقیه مبلغ اسمی سهام را پرداخت نکند حق حضور و رأی در مجامع عمومی را از دست می دهد همچنین حق دریافت سهام جدید شرکت نسبت به این گونه سهام معلق خواهد ماند و ممکن است تعلیق حق تقدم موجب گردد که مهلت استفاده از حق مزبور به حدی کم شود که احتمال خروج از مالیت برود.

بنابراین با توجه به ماده ۶۶ قانون اجرای احکام مدنی و مواد ۳۵ تا ۳۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت شرکت بدون رعایت تشریفات مزایده می تواند حق تقدم را از طریق بورس یا مزایده واگذار و بقیه مبلغ اسمی سهام را از محل انتقال این حق برداشت کند.

برآمد

حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت همان حق اولویت سهام داران قبلی در پذیره نویسی سهام جدید است که بر اثر افزایش سرمایه ی شرکت بوجود می آید، از آنجا که سهام داران یک شرکت خواهان حفظ حقوق و موقعیت خود در شرکت هستند، انتظار دارند در هنگام افزایش سرمایه و انتشار سهام جدید از سوی شرکت، نسبت به سایر خریداران اولویت داشته باشند به همین دلیل، ابتدا شرکت به سهام داران قبلی خود سهام جدید را برای پذیره نویسی عرضه می کند. آنها نیز در استفاده و یا صرف نظر کردن از این حق، مختارند؛ اما از آنجا که مبلغ پذیره نویسی سهام جدید شرکت، با مبلغ واقعی سهام متفاوت است، سهام داران معمولاً از این حق تقدم استفاده می کنند. مطابق لایحه ی قانونی قسمتی از قانون تجارت، حق تقدم برای صاحبان سهام قدیمی پیش بینی شده و صاحبان سهام به نسبت سهامی که مالک اند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال می باشد. مهلتی که طی آن سهام داران می توانند حق تقدم مذکور را استفاده کنند کمتر از ۶۰ روز نخواهد بود این مهلت از روزی که برای پذیره نویسی تعیین می گردد، شروع می شود. وجود چنین حقی به سهام داران شرکت این امکان را می دهد که درصد مالکیت خود را در مقایسه با وضعیت قبل از افزایش سرمایه ثابت نگه دارند.

مبنا و منبع حق تقدم در نظام حقوقی ایران، قانون بوده و نیز در زمره ی حقوق مالی به شمار

می رود و حق تقدم قابل نقل و انتقال بوده که تابع محدودیت های سهام داران در انتقال سهم خود است بنابراین در شرکت های سهامی عام، انتقال سهام نمی تواند مقید یا مشروط باشد. حق تقدم مشابه اموال منقول نزد ثالث بازداشت می گردد هم چنین حق تقدم از حقوق غیر قابل الغا شرکای سابق است و مطابق اساسنامه نمی توان آنان را از این حق محروم کرد بلکه سلب حق تقدم تنها در اختیار و صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد که می بایست مستدل و موجه و از موارد حادث و غیر قابل پیش بینی از قبل باشد و در گزارش هیأت مدیره و بازرسان شرکت علل و جهات اتخاذ تصمیم منعکس شود. چنانچه سلب حق تقدم ناشی از اطلاعات نادرست مدیران به مجمع عمومی فوق العاده باشد علاوه بر مسؤولیت کیفری، مسؤولیت مدنی جبران خسارت وارده به سهام داران قبلی را نیز در پی خواهد داشت.

منابع

الف: فارسی

۱. اسدی آقبلاغی، عبدالرضا، بازداشت سهام و سهم الشرکه شرکتهای تجارتي، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
۲. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (شرکت های تجاری)، جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ نهم، تهران، ۱۳۸۵.
۳. اعظمی، غلامعلی، سهم در شرکت های سهامی، رساله ی دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
۴. افتخاری، جواد، شرکتهای تجاری، انتشارات ققنوس، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۵. امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد چهارم، انتشارات اسلامی، چاپ دوازدهم، تهران ۱۳۷۴.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم، ۱۳۸۷.
۷. -----، حقوق اموال، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم، ۱۳۸۰.
۸. حسنی، حسن، حقوق تجارت، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ششم و سیزدهم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ۱۳۷۳.
۱۰. زرنگ، محمد، انتقال سهام شرکتهای سهامی در حقوق ایران و انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.
۱۱. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد دوم، نشر دادگستر، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
۱۲. صادقی، محمد، انتقال سهام و سهم الشرکه در حقوق شرکتهای ایران و انگلیس، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
۱۳. صفی نیا، نورالدین، درآمدی بر قانون شرکت های تجاری در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۱۴. عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ پنجم، ۱۳۷۱.
۱۵. فروحی، حمید، حقوق تجارت، جلد اول و دوم، انتشارات دیبا، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، نشر یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۱۷. الله یاری، شیدا، امکان سنجی داد و ستد دست دوم گواهینامه ی حق خرید (حق تقدم) سهام، گزارش دولتی، سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، اداره مطالعات و بررسی های اقتصادی، ۱۳۷۹.

ب: عربی

۱. العکلی، عزیز، شرح القانون التجارى فى شركات التجارىه، جلد چهارم، انتشارات الدار العلمیه و دارالثقافه للنشر و التوزيع، چاپ اول، ۲۰۰۲.
۲. الحمصی، علی ندیم، الشركات المساهمه فى ضوء القانون الوضعی و الفقه الاسلامی، انتشارات مجدالموسسه الجامعيه للدراسات و النشر و التوزيع، چاپ اول، ۲۰۰۳.
۳. دويدار، هانى محمد، القانون التجارى اللبنانى، انتشارات دارالنهضة العربيه لطباعه و النشر، چاپ اول، ۱۹۹۵.